

اسلام دشمن خرافات است

در کتب احکام نجوم مینویسند که در سال دویست و چهل و یک هجری در شب شهاب‌های فروزانی از اول شب تا صبح فرود آمده و موجب بیم و دهشت مردم شده بوده است منجمین بزعم خود نوشتند که از تاثیر ظهور این علامات در زمین این شد که چهار پادشاه بکلی سقط شدند و در اصطبل پادشاهان تمام اسبها مردند و اکثر این حوادث در عراق پدید آمد و در این سال مرض ذکام و آنفلوانزا شیوع یافت و نوهفته که آغاز آن از ترکستان بوده و سپس از راه خراسان باطراف منتشر شده بتمام شهرهای ایران و عراق راه یافت و متوکل خلیفه عباسی بهشنامه باطراف فرستاد که مردم با قصد و حجامت با این بیماری مبارزه کنند آقای منجم بواسطه جهل باصباغ حدوث بیماریها ایذمی آنفلوانزا را بسقوط و اشتعال شهاب آسمانی نسبت داده است در حالیکه این نسبت بسیار بی‌پایه و بی‌اساس است چنانکه علم هیئت جدید و اکتشافات دانشمندان نجوم غرب پرده از روی این اجرام کوچک و فروزان آسمانی برداشت و روشن ساخت که شهاب ثاقب که گاهگاهی در شبها بنظر میرسد و بچشم چنین موریست که ستاره‌ای از میان ستارگان سرازیر شده و در فضا معدوم گردیده یا خط روشنی در موقع فرود آن بچشم مینوردد اجسادی هستند که در همه نقاط مدارهای زمین موجود بوده و در گردش خود بدور خورشید مانند زمین گاهی با هوای محیط بزمین (آتمسفر) برخورد نموده موجب یکنوع سائیدگی شدید شده و از شدت تماس گرم شده مشتعل میشوند و وقتی مشتعل و فروزان بچشم ما می‌آیند که به آتمسفر ما رسیده و از این ضربه و تماس مشتعل شده باشند و پس از اینکه از هوای محیط بزمین عبور نمودند باز همان اجساد غیر مرئی خواهند شد چنانکه قبلا بودند فیلسوف و منجم عالیقدر (گامیل فلاماریون) فرانسوی میگوید این اجساد در طول مدار زمین همه جا پاشیده شده است ولی در بعضی نقطه‌ها بیشتر و در بعضی کمتر است مخصوصا در آن نقطه‌ها بیشتر است که کره زمین در ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ مرداد ماه و در ۳۱ عقرب (آبانماه) و در اول و دوم آذر ماه از آن نقطه‌ها در مدار خود عبور میکند و سفارش کرده که برای تماشا در این شبها با آسمان نظر کنند در ربع ساعت اقلایست

ستاره ساقط یا شهاب ثاقب مهوانید بشمارید .

چنانکه در گفتار های قبلی بمرض خوانندگان ارجمند رسید جهل و نادانی بعلمتها و اسباب بروز حوادث منشاء پندار های بی پایه و اساس تاثیر تقارن ستارگان و اجرام آسمانی در سرنوشت بشر بوده و نیز روشن شد که خاصیت جهل تاریکی روح و پیدایش عقاید موهوم و نسبت دادن معلولها بعلمتهای غیر واقعی است و بیم و دهشت حاصل از نادانی موجب پیدایش خرافات است اسلام با تعلیم توحید محض و با الغاء واسطه ها آدمی را از قیودی که جهل و بیم بدست و پای عقل وی زده آزاد کرده است و ارزش بشری را بالا برد همان بشریکه در برابر هر موجودی خاضع بوده و غیر خدا را موثر در نیکبختی و بدبختی خود می پنداشت و از این رو دائما دلی لرزان و غساطری پریش و روحی آشفته داشت رهائی بخشید و بوی فهمانید که نباید خضوع باحدی جز بافریدگار آسمان و زمین بنماید (انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض) بلی آنکس که خدای پرست باشد چگونه بزبونی پرستش غیر خدا (هر چه و هر که باشد) تن خواهد داد يك فرد مسلمان هیچوقت گوساله پرست و ستاره پرست و بت پرست و قبر پرست و نظائر هان خواهد شد چون از پیامبر خود شنیده است که ان صلاتی و نسکی و محیای و مهاتی لله رب العالمین لا شریک له و بذالک امرت و انا اول المسلمین) محال است غیر خدا را موثر در کون و مستحق پرستش (هر قدر بزرگ باشد) بداند اسلام برای الغاء واسطه آمده است که روح بشر را از آلابش تشویش واضطراب و توجه بتاثير عوامل پنداری پاک کند از این نظر صنعت تنجیم را حرام اعلام نمود همانطوریکه در شماره گذشته وعده داده شد اینک بذکر اقوال و فتاوی فقهاء سابقین در حرمت احکام نجوم میپردازیم : چنانکه مجتهد بزرگ مرحوم شیخ مرتضی انصاری نقل نموده سید مرتضی علم الهدی بیانی در زمینه حرمت تنجیم دارد و میفرماید « بر هیچ مسلمانی بطلان احکام نجوم پوشیده نیست چونکه مسلمانان در هر هنگام از سابق و اینزمان اجتماع کرده اند بر تکذیب منجمین و شهادت داده اند بفساد و واهی بودن آئین و بطلان احکامشان - نکوهش و تکذیب آنان ضروری دین پیامبر اسلام است و روایات بی شمار از نبی اکرم و خاندان و یاران برگزیده آنحضرت در اینباره بما رسیده و آنچه باین درجه از شهرت رسیده باشد چگونه منتسب بملت اسلام و نماز گزار بقبله مسلمین بخلاف آن فتوی تواند داد » یوسف ابن مطهر (علاء حلی) معروف، آیت الله در کتاب منتهی بعد از فتوای بحریم تنجیم و آموختن آن با اعتقاد باینکه ستارگان موثر در حوادث بوده و با مداخلت در تاثیر دارند فرمود « هر کس اعتقاد داشته باشد که حرکات

نفسانی و طبیعی مربوط بحركات فلکی و اتصالات ستارگان است کافر است >
 شهید اول ره در کتاب قواعد میفرماید > هر آنکس معتقد شود که ستارگان مدبر و
 پدید آورنده این عالمند کافر است > در جامع المقاصد آمده - > بدانکه کسیکه
 باور داشته باشد که ستارگان در موجودات زیرین ولو بعنوان مدخلیت دارای اثرند
 و یا آنها باین نحو بیاموزد کافر است چون این اعتقاد خود موجب کفر است >
 شیخ بهائی عاملی میگوید > اینکه منجمین بزعم خود برخی از حوادث زیرین را
 باجرام آسمانی وابسته و مربوط میدانند اگر بگمان خود ستارگان را موثر مستقل
 یا دارای مدخلیت در تاثیر در آن حوادث بدانند بی شک برای هیچ مسلمانی داشتن
 چنین اعتقادی روانیست و علم نجومی که بر این بنیاد گزاری شود کفر و خروج از
 اسلام است و آن دسته از اخباری که پرهیز از علم نجوم را توصیه میکنند و نهی از آن
 مینمایند نظر باین اعتقاد دارد > از شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه نقل
 شده که آن فقیه بزرگ نیز بی اساس بودن تنجیم و کفر باور کننده آنها از
 ضروریات دین می شمارند چنانکه عالم و ادیب بزرگ عبدالحمید ابن ابی الحدید معتزلی
 میگوید > در نزد علماء عامه هم حکم چنین است یعنی باطل و حرام بودن تنجیم
 و کفر معتقد بآن مطابق فتاوی فقهاء عامه و ضروری دین اسلام است > این جود
 استنباط و فتاوی بعضی از علماء بزرگ اسلام در حرمت این فن یا صنعت یا علم
 که فقهاء رضوان الله علیهم چون از هدف عالی اسلام که پیراستن ساحت مقدس بکتاپرستی
 از انواع شرك و خرافات است بغوی آگاه بودند (با وجود بعضی از روایات
 معارض و مجوز برخی از اقسام آن) بیاری هدف اسلام برخاسته و در این مسئله
 متفق بوده و بی پائی آنها از مسلمات و ضروری دین اعلام فرمودند. بنابراین جا
 دارد دیگر رساله یادگار عهد پوسیده کند آنها را (تقویم بسبک قدیم)
 خاتمه داده شود و این خرافات از بیخ و بن برافتد تا مسلمانان از توجه
 برب العالمین بدیگری نپردازند والسلام علی من اتبع الهدی

کشور ما

> در کشوری که پشت بحکم خدا کنند
 > در کشوری که دیده عبرت گشاده نیست
 > در کشوری که فال نخود علم و دانش است
 > در کشوری که عقل چو عنقا و کیمیا است
 > آنجا عجب مدار که هر روز نو بنو
 در کشوری که گوش بهر مدعا کنند >
 با عقل و هوش عامه بیع و شرا کنند >
 وز علم غیب حاجت مردم روا کنند >
 با چشم بسته رقص بیانک درا کنند >
 بنگاه حرف مفت فروشی پیا کنند >